

کشف یکی از اسرار بزرگ تاریخ

فینیقی‌ها در ۶۰۰ سال پیش از میلاد بقاره جدید دست یافته‌اند

دکتر بهاء‌الدین بازارگاد

دور بسبب زلزله و آتش‌فشانی بین آنها فاصله افتاده و اقیانوس اطلس دو قاره را از یکدیگر جدا کرده است. اما این فرض نیز دلیل قانع‌کننده‌ای بنفع خود ندارد بلکه بعکس صحت چنین فرض بسبب عظمت اقیانوس بسیار بعید بنظر میرسد و تصور نمی‌رود دو سرزمین را که یکدیگر پیوسته بوده‌اند اقیانوس عظیم جدا کرده باشد.

لذا این فرض هم بتدریج منسوخ گردید و دنبال نشد اما مسلم شده بود که بین سکنه بومی قاره جدید با سکنه قدیم آسیا رابطه‌ای تاریخی وجود دارد ولی امیدی هم بکشف جزئیات آن نبود و باز تئوریهای مختلف برای آن از طرف محققان و دانشمندان وضع میشد. بعضی بسبب تشابهی که در بعضی از خصائص فیزیکی نژادی و قیافه و چهره بین مردم چین شمالی و سیبری با سرخ پوستان امریکای شمالی مشاهده میکردند احتمال میدادند که اولین اجداد سکنه بومی امریکای شمالی زمانی از طریق بغاز بیرینگ از انتهای خاوری سرزمین سیبری وارد آلاسکا شده و از آنجا بتدریج به جنوب مهاجرت کرده‌اند. گروه دیگری معتقد بودند که وایکینگ‌ها Vikings که سکنه قدیم نروژ بوده‌اند ابتدا وارد این سرزمین شده‌اند ولی بعدها معلوم شد که وایکینگ‌ها در قرون پس از میلاد و قرن‌ها پیش از کریستف کلمب بمناطق شمالی کانادا راه یافته‌اند ولی در قاره جدید سکونت نگزیده‌اند و تنها بعنوان دریانوردی و حادثه‌جویی و در پی ماهی‌گیری بدان مناطق دست یافته و بزودی آنرا ترک گفته‌اند.

بهر حال این مسائل تا چندسال قبل همچنان در پرده اسرار باقی مانده بود و امیدی به کشف آن نبود تا سال گذشته

از زمان کشف قاره جدید تا چندی پیش این معما یکی از مسائل مورد بحث مورخان و باستان‌شناسان بوده است که سکنه بومی قاره جدید یعنی اقوام ازتك Aztec و مایا Maya و اینکا Inca که اولی در سرزمین مکزیک و دومی در امریکای مرکزی و سومی در سواحل باختری امریکای جنوبی هر یک تمدنی مخصوص و قابل توجه و شایسته تحقیق بوجود آورده بودند ابتدا در چه زمان و چگونه و از کجا به سرزمین قاره جدید وارد گشته‌اند. در اوایل اکتشاف می‌پنداشتند که اجداد این اقوام از آغاز تاریخ بشری در همین سرزمین تکامل و پرورش یافته‌اند همانطور که نوع آدمی در قاره قدیم بتدریج تکامل یافته و تمدنهایی را بوجود آورده است. ولی بتدریج که علاقه به تحقیق در زنگنه‌گی و تمدن و رسوم و آداب و مذهب و حکومت و آثار هنری و معماری این اقوام در باستان‌شناسان و مورخان اروپائی و مهاجران دنیای قدیم افزایش یافت در نتیجه تشابه‌های چشم‌گیر و الخالی از اشتباهی که در موارد مختلف و مظاهر متنوع زنگنه‌گی بشری بین تمدنهای این اقوام با تمدنهای قدیم دنیای قدیم و اقوام باستانی آسیایی بخصوص خاورمیانه و بالخصوص فینیقی مشاهده گردید آن تئوری ناپخته و بی‌دلیل اولیه منسوخ و مردود گشت و تا همینقدر بر محققان مسلم گردید که سکنه بومی قاره جدید در زمانهای بسیار دور که کشف آن اگر محال نباشد بسیار مشکل بنظر میرسد از قاره آسیا سرزمین امریکا راه یافته‌اند. تئوری دیگر که بعضی از دانشمندان زمین‌شناس (ژئولوژیست) وضع کردند آن بود که قاره قدیم و قاره جدید درازمنه خیلی دور یکدیگر اتصال داشته‌اند و در زمانی



دکتر گوردون استاد دانشگاه
براندز (امریکا)

که کلیدی برای حل این معما و کشف این اسرار بوسیله یکی از دانشمندان امریکائی بنام دکتر سیرس گوردون Dr. Cyrus H. Gordon استاد دانشگاه براندز Waltham در شهر والتهام در استان ماساچوست بدست آمد که راهی برای کشف این سر بزرگ که قرن‌ها مجهول مانده و دانشمندان آرزوی یافتن بدان را داشتند بگشود .

حال چگونه این کلید معما بدست دکتر گوردون رسید داستان جالبی دارد و نتیجه تصادف غیر منتظره و عجیبی است که شرح آن در سال گذشته در بعضی از مجلات خارجی و باختصار در جزء اخبار منتشره از مراکز نشر خبر انتشار یافت و نویسنده این سطور آنرا یادداشت و ترجمه کردم که اکنون در این مقاله می‌آورم .

در کشورهای متحده امریکا درست مانند ایران خودمان که از یک‌هفته بلکه یک‌ماه پیش از فرا رسیدن نوروز بانوی هرخانه به خانه تکانی و تمیز کردن خانه مشغول می‌شود ، بسیاری از زنان امریکائی در اوایل بهار که طبق قانون طبیعت نیروی تازه در خود احساس می‌کنند به خانه‌تکانی مشغول می‌شوند و اشیاء و مصالحه شده و رویهم ریخته شده در انبار و در اتاقهای کوچک زیر سقف و شیروانی را که Attics می‌نامند بیرون می‌ریزند و آنچه از اشیاء باز یافته‌خانه و کالاهای منسوخ و واکشورده را که برای فروش رسانیدن بمصارف خیریه می‌توان نجات داد و چیزهای زیادی را بیرون آورده و در محلی و یا بوسیله آگهی بفروش می‌رسانند و یا عین آنها را بمرکز کمکهای خیریه می‌فرستند .

دو سه سال پیش زنان کارمند و معلمان و استادان دانشگاه برون Brown در شهر پراویدنس در رودايلند در آغاز يك بهار خانه‌تکانی کردند . در میان اشیاء زیادی یکی از خانه‌ها يك کتابچه کهنه وجود داشت که در آن قطعات چیده شده از مطبوعات قدیمی یا نسخ خطی و یادداشت‌های قایل نگاهداری چسبانیده شده بود که اینرا بزبان انگلیسی Scrapbook می‌گویند . این اشیاء را برای فروش بنفع دانشکده دختران پمبروک فرستادند و چندی بعد بر حسب تصادف این کتابچه در يك لحظه از نظر یکی از استادان برجسته باستان‌شناسی یعنی دکتر گوردون نامبرده گذشت .

وی برگ کهنه‌ئی را در آن کتابچه مشاهده کرد که برور زمان زرد شده بود . این برگ و نوشته‌های آن که شبیه خطوط فینیقی قدیم بنظر می‌آمد نظر وی را جلب کرده تصمیم به خواندن آن و کشف معنی آن گرفت و با خواندن آن دریغی از این سر بزرگ که در سینه تاریخ همچنان مدفون بود بروی مورخان گشوده شد .

نکته تاریک و مبهمی که پیش از این واقع بر دماغ و فکر دکتر گوردون و حتی باستان‌شناسان غیر حرفه‌ئی (آماتور)

سألها بود فشار می‌آورد بطوریکه در بالا هم اشاره شد مشاهده تشابهاتی بود بین اهرام ، معابد ، دانش ریاضی و علم هیئت ، سیستم های آبیاری خاورمیانه با نظائر آنها در تمدن‌های سکنه بومی امریکای پیش از کشف که آنرا اصطلاحاً امریکای ماقبل کلمب (یعنی پیش از کشف بوسیله کریستف کلمب) می‌نامند . نظریه‌ای که اکنون دکتر گوردون در نتیجه خواندن این چند سطر از آن کتابچه مطرح کرده و بدان معتقد می‌باشد این است که يك گروه از قوم فینیقی در حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به سرزمین امریکا رسیده و در آن سکونت گزیده‌اند و سند نامبرده که اکنون در تصرف دکتر گوردون می‌باشد این تر را تأیید میکند .

دیگر اینکه در سال ۱۸۷۲ در ضمن راه سازی در يك جنگل دریرزیل بوسیله بردگان قطعه سنگی بدست آمد که مفاد آن با نوشته‌ای که اخیراً بدست دکتر گوردون رسیده است مطابقت میکند ولی در سال ۱۸۷۲ توجهی به آن سنگ نبشته نشد و داستان آن سنگ نیز در همین مقاله ذکر خواهد شد . ترجمه نوشته‌ئی که بدست دکتر گوردون رسیده بدین شرح است .

